

زنان و پیشرفت از منظر روانشناسی

پریناز کوچکی مطلق^۱

چکیده

پیشرفت زنان به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه جوامع، نیازمند بررسی ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی است. این مقاله با رویکردی تطبیقی به تحلیل نظریه‌های روانشناسی غربی و اسلامی درباره پیشرفت زنان می‌پردازد. در روانشناسی غربی، مفاهیمی مانند خودشکوفایی و برابری جنسیتی محوریت دارند، حال آنکه در روانشناسی اسلامی، پیشرفت زنان در چارچوب «فطرت الهی» و تعادل میان مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی تعریف می‌شود. دستیابی به پیشرفت واقعی زنان، همکاری چندجانبه بین خانواده، دولت و جامعه ضروری است و برنامه‌های آموزشی و توانمندسازی نقش کلیدی در کاهش موانع پیش روی زنان دارد. همچنین چالش‌های روانشناختی زنان در مسیر پیشرفت، اگرچه عمیق هستند، اما با ایجاد محیط‌های کاری برابر، تغییر نگرش‌های اجتماعی و ارائه برنامه‌های حمایتی می‌توان زنان را در دستیابی به اهدافشان یاری کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌های آموزشی، تغییر نگرش‌های اجتماعی و سیاست‌های حمایتی مبتنی بر آموزه‌های دینی و روانشناسی مثبت‌گرا می‌تواند به کاهش موانع پیشروی زنان کمک کنند. این مقاله با استناد به منابع معتبر اسلامی و غربی، رویکردی جامع برای توانمندسازی زنان ارائه می‌دهد. زنان از همان روزهای اول تولد علم روانشناسی در آن مشارکت داشته‌اند. برآورد نشان می‌دهد که در اوایل دهه ۱۹۰۰ تقریباً ۱۲ درصد از روانشناسان زن بودند. با این حال، بسیاری از زنان پیشگام با تبعیض، موانع و مشکلات قابل توجهی مواجه بودند. بسیاری از آنها اجازه نداشتند با مردان درس بخوانند، از مدرکی که به سختی به دست آورده بودند محروم شدند یا به دشواری توانستند به موقعیت‌های علمی مهمی دست یابند. از این رو، زنانی که در این مسیر سخت پایداری به پیشرفت علم روانشناسی کمک کرده‌اند. در مسیر پیشرفت زنان نیازمند رویکردی جامع است که شامل آموزش، تغییر نگرش‌های اجتماعی، حمایت از زنان و سیاست‌های دولتی است.

کلمات کلیدی: پیشرفت زنان، روانشناختی اسلامی، روانشناسی فمینیستی، خودشکوفایی، فطرت الهی.

مقدمه

پیشرفت زنان به عنوان یک مسئله میان‌رشته‌ای، در دهه‌های اخیر مورد توجه روانشناسان غربی و اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است. در حالی که مطالعات غربی بر استقلال فردی و دسترسی به فرصت‌های برابر تمرکز دارند. رویکرد اسلامی با تأکید بر مفهوم «حیات طیبه» (قرآن، نحل: ۹۷)، پیشرفت را در هماهنگی با فطرت الهی و مسئولیت‌های خانوادگی می‌داند. این مقاله با هدف پر کردن خلأ تحقیقاتی در حوزه تلفیق روانشناسی مدرن و آموزه‌های اسلامی، به بررسی عوامل روانشناختی مؤثر بر پیشرفت زنان می‌پردازد. برخلاف پژوهش‌های پیشین مانند «روانشناسی زنان» هورنای (۱۹۴۲) که صرفاً بر نظریه‌های غربی متمرکز است، این مقاله با استناد به منابعی چون «المیزان» علامه

^۱ - حوزه علمیه الزهرا

طباطبایی و «وسائل الشیعه» شیخ حر عاملی، به تحلیل تطبیقی این موضوع می‌پردازد. حوزه روانشناسی زنان اطلاعاتی را برای الگوهای تحصیلی مرتبط با زنان ارائه می‌دهد. زمینه‌هایی که تا قبل از آن، تجربیات زنان را حذف می‌کرد، بی‌اهمیتی که تحریف شده‌اند. روانشناسی زنان به موضوعاتی از جمله رشد جهانی در سراسر چرخه زندگی زنان، دیدگاه‌های مورد نظر و معیشت و سلامتی جمعی و روانی زنان و همچنین کلیشه‌های جنسی، حق باروری، سلامت باروری، ارتباطات کلامی و غیرکلامی می‌پردازد (شمسی و همکاران، ۱۳۹۴). روانشناسی زنان توسط کارن هورنای ابداع شده بود که به چالش کشیدن نظریه و تحت تأثیر و سلسله مردان از جمله نظریه‌های روانکاوی فروید بسیار مؤثر بوده است محدودیت‌های فرهنگی در مسیر رهبری، از چالش‌های زنان و رهبری است که بسیاری از فرهنگ‌ها رهبری را ویژگی مردانه می‌دانند. برای مقابله با این چالش، تغییر باورها از طریق آموزش عمومی و معرفی رهبران زن در سامانه‌ها ضروری است. فناوری، ابزاری برای پیشرفت زنان است که با کاهش موانع جغرافیایی و اجتماعی، می‌تواند فرصت‌هایی برابر برای زنان در مناطق محروم ایجاد کند (احمدپور، ۱۴۰۲). رسانه‌ها با نمایش الگوهای موفق، نقش مهمی در تقویت زنان دارند و می‌توانند با معرفی زنان موفق، انگیزه و الهام ایجاد کنند. تبادل فرهنگی و نقش آن در توانمندسازی زنان، از تأثیرات تغییرات بین‌المللی و جهانی شدن ایدئولوژی اسلامی در میان زنان است که انتقال ایده‌های اسلامی به جوامع سنتی از طریق پیشرفت زنان نیازمند تغییر نگرش‌های فرهنگی، سیاست‌های حمایتی، استفاده از رویکردهای روانشناختی است. پیشرفت زنان نه تنها به افزایش کیفیت زندگی آنان بلکه به توسعه کلی جوامع منجر می‌شود. خودآگاهی، از اهمیت بالایی در پیشرفت زنان برخوردار است و به آنان کمک می‌کند تا توانایی‌ها، نقاط ضعف و اهداف خود را شناسایی کنند. تمرین ذهن‌آگاهی و استفاده از مشاوره روانشناختی، از روش‌های تقویت خودآگاهی است. تبعیض جنسیتی در محیط کار، از چالش‌های روانشناسی زنان در مسیر پیشرفت است که مشکلاتی مانند تفاوت در پرداخت حقوق و دسترسی کمتر به فرصت‌های ارتقا را به همراه دارد. برای مقابله با این چالش، اجرای قوانین ضد تبعیض و توانمندسازی زنان برای مذاکره درباره حقوق و مزایا ضروری است (هاشمی علیا، ۱۳۹۵). افسردگی و اضطراب، از پیامدهای روانشناختی چالش‌ها است که علل آن فشارهای اجتماعی و حرفه‌ای است. برای مقابله با این پیامد، شرکت در جلسات روان‌درمانی و تمرین تکنیک‌های مدیریت استرس مانند مدیتیشن توصیه می‌شود. براین اساس هدف اصلی این مقاله بررسی پیشرفت زنان از منظر روانشناسی اسلامی و غربی است.

۱. پیشرفت زنان (از منظر اسلامی):

- لغوی: حرکت به سمت کمال انسانی (ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۲۳۴).
- اصطلاحی: تحقق استعدادهای فطری در چارچوب مسئولیت‌های الهی و اجتماعی (طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۲۴۳).

پیشرفت از منظر روانشناسی به معنای رشد در جنبه‌های مختلف زندگی شامل شغلی، فردی و اجتماعی است که بر پایه عوامل درونی مانند اعتماد به نفس و مهارت‌های روانشناسی شکل می‌گیرد. کمال‌گرایی و استرس ناشی از آن، از چالش‌های روانشناسی زنان در مسیر پیشرفت است که می‌تواند به اهمال‌کاری و اضطراب منجر شود. برای مقابله با این چالش، ترویج نگرش واقع‌بینانه و تمرین مهارت پذیرش شکست راهگشا است (ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۲۳۴). کاهش اعتماد به نفس و اثرات آن بر تصمیم‌گیری، از پیامدهای روانشناختی چالش‌ها است که اعتماد به نفس پایین باعث اجتناب از فرصت‌ها می‌شود. برای مقابله با این پیامد، تمرین‌های تقویت خودآگاهی و استفاده از تکنیک‌های ذهن‌آگاهی توصیه می‌شود. آموزش و مشاوره روانشناسی، از راهکارهای روانشناختی برای توانمندسازی زنان است که موضوعات مهمی مانند مدیریت استرس، تقویت خودباوری و مقابله با کلیشه‌ها را شامل می‌شود و مزایایی مانند افزایش مهارت‌های تطبیقی و اعتماد به نفس را به همراه دارد.

۲. خودشکوفایی (مازلو):

خودشکوفایی بالاترین سطح سلسله مراتب نیازها که شامل تحقق ظرفیت‌های ذاتی فرد است (Maslow, 1943, p. 382). خودشکوفایی^۱ اصطلاحی در روان‌شناسی انسان‌گرایانه و به معنی محقق ساختن حداکثر توانایی‌های بالقوه فرد توسط خودش است. خودشکوفایی به این پدیده اشاره دارد که انسان‌ها تمایل دارند فراتر از نیازهای اولیه خود یعنی همان نیازهایی که در هرم سلسله مراتب نیازهای مزلو فهرست شده پیشرفت کنند. انسان‌ها می‌کوشند از طریق خودشکوفایی، از امکانات به شیوه‌ای بهینه استفاده کرده و تمامی استعدادهای پنهان خود را شکوفا کنند، حال این استعدادهای هر چه می‌خواهد باشد. همان‌طور که آبراهام مزلو بیان می‌دارد: «آنچه انسان می‌تواند باشد، باید بشود» (فرهنگستان زبان فارسی، ۱۳۸۹).

روانشناسی زنان

¹ self-actualization

حوزه روانشناسی زنان به تئوری‌ها و تحقیقاتی می‌پردازد که تجارب زنان را حذف می‌کند و بی‌اهمیت تعریف کرده‌اند تا ساختار مردانه بیش از حد در جامعه مسلط شود. با این توصیف می‌توان گفت حوزه روانشناسی زنان در پی رفع نابرابری‌های اجتماعی و نهادهایی در بین زنان و مردان است (موسوی و همکاران، 1395). روانشناسی زنان به عنوان یک رشته مطالعاتی، نظریه‌های سختی مورد نظر زنان را به چالش کشیده است و با برخی از چالش‌برانگیزترین مشکلات زنان ما ارتباط برقرار کرده است. این حوزه نه تنها معرفت دانش را تغییر داده است، بلکه درک‌ها را از خود جهان نیز گسترش داده است. این حوزه روانشناسی به ارزش‌ها و باورهای تحقیق یک مطالعه علمی توجه می‌کند و تجربیات زنان از زمینه‌های اجتماعی در طول زندگی را مطالعه می‌کند و از تغییرات در سطح فردی، سازمانی و اجتماعی مرتبط با زنان حمایت می‌کند. همچنین افرادی را تشویق کرده تا به تمام زیرحوزه‌های روانشناسی که تصویری از زنان را نشان می‌دهد با نگاهی تکمیلی و انتقادی نگاه کنند. به عبارتی دیگر روانشناسی زن حوزه‌ای از روانشناسی است که بر مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی که به طور گسترده‌ای با زنان در ارتباط است و بر آنها تأثیر می‌گذارد، تمرکز می‌کند. روانشناسی زنان به رشد جهانی در سراسر چرخه زندگی زنان نیز تمرکز می‌کند (احمدپور، 1402).

در طول تاریخ، زن به عنوان جنس ضعیف‌تر در نظر گرفته شده است و از حقوق کمتری برخوردار بوده است. تحلیل و فرصت‌های شغلی شخصی گونه‌ای از این محدودیت‌ها بوده است که از گذشته مهم‌ترین و تنها حرفه برای زنان همسرمداری و مادر بودن تلقی شده است. بر اساس قوانین رایج انگلستان در قرن نوزدهم، یک زن متاهل هویت خود را از دست می‌داد و تقریباً تمام دارایی او تحت کنترل شوهرش قرار می‌گرفت. در آمریکا نیز اوضاع از این بهتر نبود و زنان از حقوق زیادی برخوردار نبودند. از قرن نوزدهم به بعد اوضاع کم‌کم شروع به تغییر کرد و در این دوران برخی از دولت‌ها شروع به اصلاح قوانین کردند تا زنان اجازه داده شوند بر اموال خود مالکیت داشته باشند و وارد روابط قراردادی شوند و ادعای حقوقی داشته باشند تا از حق خود و فرزندانشان محافظت کنند. در سال 1848 زمانی که کنوانسیون Seneca Falls برای حقوق زنان در نیویورک برگزار شد، یکی از شکایت‌های مستند که در اعلامیه این کنوانسیون بود این بود که در تاریخ بشریت آسیب‌های زیادی از سوی مردان نسبت به زنان انجام شده است و تنها با مخالفت خود امکان تحصیل کامل را از زنان سلب کرده‌اند (صادقی و خوش بیانی، 1398).

یکی از نتایج این کنوانسیون تقاضا برای آموزش‌های تکمیلی زنان بود و پیش از آن در بسیاری از کشورها آموزش زنان در اولویت نبود. در آمریکا، دختران معمولاً خواندن و نوشتن را در مدارس ابتدایی یاد می‌گرفتند و فقط می‌توانستند در مدارس پسرانه و آن هم در تابستان که بیشتر پسران کار

می‌کردند حضور داشته باشند. محرومیت از آموزش و تحصیل به این معنی بود که زنان باید الگوی مادری خود یعنی آشپزی، نظافت، مراقبت از کودکان را ادامه بدهند. تنها شغلی که در این دوران برای زنان در دسترس بود خیاطی یا خدمات پانسیون بود. در قرن بیستم تقریباً در اکثر کشورها آغاز شد و تا قرن بیست و یکم ادامه یافت و نقش‌های سنتی زنان دگرگون شد. روانشناسی بیش از حد روی جنسیت متمرکز بوده است و به همین علت با استناد به تفاوت‌های بیولوژیکی بین دو جنس، مسیرهای رشد جداگانه‌ای برای زنان و مردان ترسیم شد که نابرابری‌ها را افزایش داده بود. حوزه روانشناسی ابتدا به تفاوت‌های بین دو جنس تمرکز داشته و در هم تنیدگی متغیرهایی که مختلف بوده و تنوعی که میان افراد به علت اثرات نژاد و قومیت، ناتوانی در بین وجود داشته است، توجه کمی معطوف می‌کرد؛ متغیرهایی که نقش زیادی در نابرابری میان افراد داشتند. نقطه عطف در این زمان تغییر این پارادایم بود؛ اتفاقی که در این زمان افتاد این بوده است که توجه محققان به این متغیرها بیشتر شد (سنچولی، 1394).

اهمیت حضور زنان در پیشبرد جامعه

هیچ شخصی وجود ندارد که با تلاش و پشتکار موفقیت را به دست نیاورده باشد. افرادی که به موفقیت‌های بزرگ دست یافته‌اند معمولاً از استعداد یا توانایی استثنایی برخوردار نبوده‌اند و تنها تفاوت آنها با سایر افراد در این است که پیش روی مشکلات و موانع تسلیم نشده و با تلاش بی وقفه به دستاوردهای خود دست یافته‌اند و هر مسیری که طی می‌شود با چالش و موانع همراه است. دوری از افکار منفی زمینه‌ای را برای تولید ایده‌ها و هدف‌گذاری مجدد فراهم می‌کند. افراد با نگرش مثبت به سرعت به تحقق اهدافشان نزدیک می‌شوند و هیچ عامل خارجی نمی‌تواند جلوی پیشرفت فردی را که با انگیزه مثبت به دنبال رسیدن به اهدافش است بگیرد. زنان موفق نیز برای تقویت اندیشه مثبت معمولاً مطالب انگیزشی را مطالعه می‌کنند و از اطرافیانی که انگیزه مثبت دارند و آنها را تشویق می‌کنند پشتیبانی می‌کردند (نصیری، 1397).

عزت نفس پایه و اساس وجود هر انسان را تشکیل می‌دهد. این احساس ارزشمندی و لیاقت بی‌نیاز از دستاوردهای بیرونی است که فرد به خودش ارزش بدهد. در واقع عزت نفس همان نگاهی است که به شما می‌گوید: «تو لایق بهترین‌ها هستی». متخصصان فمینیست از جمله فلورانس دانمارک (1931)، روانشناس آمریکایی و رئیس سابق انجمن روانشناسان در آمریکا خاطرنشان کردند که در بسیاری از رشته‌های روانشناسی یک دیدگاه اندر و محرمانه یا مردسالارانه در مورد رفتار انسان حاکم بوده است؛ یعنی فرض شده است مردان حجیت هنجاری بودند و زنان به طور مقایسه آنها با

خود آنان بلکه به نفع کل جامعه است. با استفاده از روش‌های روانشناختی، حمایت‌های اجتماعی و سیاست‌های مؤثر می‌توان به آینده‌ای برابرتر و موفق‌تر دست یافت (ملازاده، ۱۳۹۸).

نقش روان‌شناسی اسلامی و غربی در پیشرفت زنان

در روان‌شناسی غربی، پیشرفت زنان عموماً بر محور «استقلال فردی» و «دسترسی به فرصت‌های برابر» تعریف می‌شود. آبراهام مازلو در نظریه «سلسله مراتب نیازها» (۱۹۴۳)، پیشرفت را فرآیند تحقق خودشکوفایی می‌داند که مستلزم تأمین نیازهای پایه (مانند امنیت) تا نیازهای بالاتر (مانند احترام و خودشناسی) است. بر این اساس، مطالعاتی مانند پژوهش هیدی (۱۹۸۶) در مجله *American Psychologist* نشان می‌دهد دسترسی زنان به آموزش عالی و موقعیت‌های شغلی، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش عزت نفس و کاهش اضطراب اجتماعی آنان دارد. از سوی دیگر، نظریه‌پردازان فمینیستی مانند سیمون دوبووار در کتاب *جنس دوم* (۱۹۴۹) با استدلال «هیچ زنی زاده نمی‌شود، بلکه ساخته می‌شود»، پیشرفت زنان را در گرو رهایی از ساختارهای جنسیتی سنتی می‌دانند.

در مقابل، روان‌شناسی اسلامی با تکیه بر مفهوم «فطرت» و «تکلیف‌محوری»، پیشرفت زنان را در چارچوب مسئولیت‌های الهی و خانوادگی تفسیر می‌کند. قرآن کریم در آیه «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷)، برابری ارزش اعمال نیک زن و مرد را مبتنی بر ایمان و تقوا بیان می‌کند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (ج ۱۲، ص ۲۴۳) توضیح می‌دهد که «حیات طیبه» در این آیه، نه تنها به معنای رفاه مادی، بلکه شامل آرامش روانی ناشی از هماهنگی با فطرت الهی است.^۱

همچنین، روایات معصومین (ع) جایگاه زن را در دو نقش محوری «همسری» و «مادری» تبیین می‌کنند. حدیث «المرأة ریحانة و ليست بقهرمانه» (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۱) زن را به گلِ نازکی تشبیه می‌کند که مسئولیت اصلی او شکوفاسازی عواطف در کانون خانواده است.^۲ با این حال، این نگاه به معنای نادیده گرفتن نقش اجتماعی زنان نیست؛ چنانکه پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» (بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۷) که بر ضرورت دانش‌آموزی

^۱ طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۲۴۳.

^۲ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۱.

برای زنان تأکید دارد. در واقع، اسلام با ردّ رویکرد افراطیِ فردگراییِ غربی، پیشرفت زنان را در «تعالی» میان مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی می‌داند.^۱

در نتیجه روانشناسی زنان از منظر رویکرد اسلامی و غربی به صورت زیر است:

الف) دیدگاه غربی:

- نظریه‌پردازانی مانند سیمون دوبووار در کتاب «جنس دوم» (۱۹۴۹)، پیشرفت زنان را در گرو رهایی از ساختارهای مردسالارانه می‌دانند. وی با شعار «زن زاده نمی‌شود، بلکه ساخته می‌شود»، بر نقش جامعه در شکل‌گیری هویت زنانه تأکید می‌کند (ص ۲۹۵). از سوی دیگر، مطالعات هیدی (۱۹۸۶) نشان می‌دهد دسترسی به آموزش عالی، عزت نفس زنان را ۴۰٪ افزایش می‌دهد.

ب) دیدگاه اسلامی:

- قرآن کریم در آیه ۹۷ سوره نحل می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» این آیه بر برابری زن و مرد در دستیابی به «حیات طیب» - که شامل آرامش روانی و رشد معنوی است - تأکید دارد (طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۲۴۳). در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة» (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۰) که ضرورت دانش‌آموزی را برای زنان تأیید می‌کند.

راهکارهای توانمندسازی زنان و نقش سازمان‌ها

استفاده از روانشناسی مثبت‌گرا، از راهکارهای روانشناختی برای توانمندسازی زنان است که روش‌هایی مانند تمرین قدردانی روزانه و تعیین اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت را شامل می‌شود. سازمان‌ها و دولت‌ها با سیاست‌هایی مانند ایجاد فرصت‌های برابر شغلی و ارائه تسهیلاتی مانند مرخصی زایمان، نقش مهمی در توانمندسازی زنان دارند. آموزش آنلاین و توانمندسازی زنان، از مزایای فناوری در پیشرفت زنان است که پلتفرم‌هایی مانند Coursera و برنامه‌های آموزشی ویژه برای مناطق دورافتاده را شامل می‌شود. رسانه‌ها با نمایش الگوهای موفق، نقش مهمی در پیشرفت زنان دارند و می‌توانند با برجسته کردن نقش زنان موفق، انگیزه ایجاد کنند. برای ساختن آینده‌ای برابر و موفق‌تر، تلاش‌های گسترده‌ای در حوزه روانشناسی، سیاست‌گذاری و تغییر فرهنگی ضروری است (خلیلی و همکاران، ۱۴۰۱).

^۱ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۷۷

نتیجه گیری

پیشرفت زنان نیازمند تلفیق یافته‌های روانشناسی غربی با مبانی اسلامی است. در حالی که رویکرد غربی بر استقلال فردی تمرکز دارد، اسلام با تأکید بر «تعالُد» میان مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی (بقره: ۲۲۸)، الگویی جامع ارائه می‌دهد. اجرای سیاست‌های آموزشی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و روانشناسی مثبت‌گرا می‌تواند به کاهش موانع روانشناختی پیشروی زنان کمک کند. پیشرفت زنان، معیاری اساسی برای سنجش توسعه و موفقیت جوامع است. با تغییر نگرش جهانی، زنان به عنوان نیروی فعال و سازنده در توسعه اجتماعی، اقتصادی و عدالت اجتماعی شناخته می‌شوند. با این حال، موانعی مانند ساختارهای اجتماعی-فرهنگی و کلیشه‌های جنسیتی، پیشرفت زنان را محدود می‌کند. برای رفع این موانع، نیاز به رویکردی جامع شامل آموزش، تغییر نگرش‌های اجتماعی، حمایت از زنان و سیاست‌های دولتی وجود دارد. زنان ایرانی با پتانسیل بالا، می‌توانند نقش مهمی در اقتصاد و توسعه کشور ایفا کنند. توجه به تفاوت‌های روانشناختی و جنسیتی، و همچنین تلاش برای ایجاد تعادل بین ویژگی‌های زنانه و مردانه در هر فرد، برای دستیابی به کمال انسانی ضروری است.

منابع

قرآن کریم

- اکبریان مهر، مهدیه و نوری، فریبا، 1401، تحلیل چگونگی موفقیت زنان در مدیریت، و غلبه بر موانع درک شده، سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های سازمان و مدیریت، تهران.
- بیگدلی نشاط، برهان و ولی زاده، نازنین و عباسیان، زهرا و فولادی زاده، محدثه، 1394، بررسی حضور زنان در اجتماع بعد از انقلاب، دومین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه‌شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران، تهران.
- پورعطاکش، خدیجه، 1401، شناسایی چالش‌های فرهنگی و اجتماعی زنان و ضرورت آموزش شهروندی، دومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روانشناسی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. جلد ۲۰. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حمدپور، علی، 1402، بررسی جایگاه روان‌شناختی زن در اسلام و تمدن غرب بر اساس منظومه فکری مقام معظم رهبری، فصلنامه روان‌شناسی فرهنگی زن، دوره: 15، شماره: 56.
- خدیری، کژال و یزدان پناه، مسعود و فروزانی، معصومه و برادران، مسعود، 1399، تبیین عوامل روانشناختی موثر بر توانمندی زنان روستایی (مورد مطالعه: شهرستان لیکک)، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره: 51، شماره: 2.
- خلیلی، زهرا و خلیلی، سعید، 1401، توانمندسازی زنان: (اصول، ابعاد، چالش‌ها و راهکارها)، چهاردهمین همایش ملی علمی پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی، شیروان.
- دانمارک، فلورانس (۱۹۹۰). روانشناسی فمینیستی و نقد مردسالاری. ترجمه آزاده کیان. تهران: نشر نی.
- دوبووار، سیمون. (۱۳۸۷). جنس دوم. (قاسم مسعودی، مترجم). تهران: نشر و پژوهش شیرازه.

- رستمعلی زاده، ولی اله و علی جمعه زاده، پروین، 1397، بررسی عوامل موثر بر موفقیت زنان کارآفرین شهر تهران.
- ریبون، جینا. (۱۳۹۸). مغز جنسیت‌زده: علوم نوین اعصاب علیه باورهای غلط درباره مغز زنان. (رضا اسکندری، مترجم). تهران: نشر نو.
- ریشما، (۱۳۹۹). شجاع باش دختر. (شبنم اسماعیلی، مترجم). تهران: کبوتر.
- سنجولی، زینب، 1394، تفاوت جایگاه زنان در دیدگاه علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی غربی. ماهنامه «علوم انسانی اسلامی»، دوره: 1، شماره: 1
- شریعتی، فرزانه و خیراندیش، مسعود و محمدی خیاره، محسن، 1397، عوامل موثر بر کارآفرینی زنان، چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی، تاکستان.
- شمسی، علی و اسماعیلی، علی و صالحی، بتول و حجتی، زهرا، 1394، تفاوت جایگاه زنان از دیدگاه علوم انسانی اسلامی و علوم انسانی غربی، دومین کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی.
- صادقی ده چشمه، ستار و خوش بیانی، فاطمه، 1398، مقایسه نگاه فرهنگ غرب و اسلام به زن، دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. جلد ۱۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عبدالملکی، پویا، 1403، بررسی چالش‌ها و چشم انداز پیش روی زنان در فضاهای عمومی شهری پیش و پس از تحولات اجتماعی سال ۱۴۰۱، دهمین کنگره سالانه بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران.
- علی زاده، رقیه، 1402، جایگاه زنان در روانشناسی، پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی ایران.
- غلامعلی لواسانی، مسعود، خضری آذر، هیمین، و امانی ساری بگلو، جواد. (1390). تفاوت های جنسیتی در خودکارآمدی، اهداف پیشرفت، ارزش تکلیف، درگیری شناختی و پیشرفت ریاضی. مطالعات اجتماعی-روان شناختی زنان (مطالعات زنان، 9 (27)، 7-31.
- فیشر، هلن. (۱۳۸۸). جنس اول: توانایی زنان برای دگرگونی جهان. (نغمه صفاریان‌پور، مترجم). تهران: علم.
- کریم‌زاده، مجید. (۱۳۹۸). بررسی موانع کارآفرینی زنان بلوچ شهرستان سراوان. مطالعات اجتماعی-روان‌شناختی زنان، ۱۷ (۲)، ۱۲۵-۱۵۴.
- کریمی، محمد شریف، خانزاده، آزاد، و چشم‌اقیل، مسعود. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین باروری، مشارکت نیروی کار زنان و رشد اقتصادی (مطالعه تطبیقی ایران و کشورهای عضو گروه ۷). مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۹ (۳)، ۱۲۳-۱۴۸.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (جلد ۱). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لونیزال، هی. (۱۳۹۸). زنان توانمند: راهنمای زنان برای رسیدن به زندگی سعادت‌مند. (مینا عطائی، مترجم). تهران: درون‌گرا.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۱۵ق). بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام. جلد ۱، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
- مجموعه واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان فارسی تا پایان سال ۱۳۸۹.
- محمدی دوست، سلیمان و زعیمی، حمیده و محمدی دوست، اسکندر، 1395، بررسی نقش و جایگاه زنان در توسعه پایدار، دومین همایش ملی توسعه پایدار استان کهگیلویه و بویر احمد، یاسوج.
- ملازاده، سمیه، 1398، نقش زنان در توسعه پایدار با رویکرد توسعه اقتصادی، دومین همایش ملی سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار، قم.
- ملک‌آرا، ملیکا. (۱۳۹۹). اثر سقف شیشه‌ای بر ارتقای جایگاه مدیریت زنان. پژوهش‌های مؤثر در علوم تحقیقات، ۲ (۵)، ۷۸-۹۵.

- مهتابی، فاطمه. (۱۴۰۰). بررسی آماری وضعیت اشتغال زنان در ایران. اولین کنفرانس بین‌المللی علوم تربیتی، روانشناسی و علوم انسانی. تهران.
- موسوی، سید علی و موسوی گاوگانی، سید علی و محمدی بیرامی، سعید، ۱۳۹۴، زن در سبک زندگی اسلامی و خانواده، اولین همایش نقش زن در سلامت جامعه، تهران.
- موسوی، سید محمد حسین و دهمرده کمک، سمیه، ۱۳۹۵، آراء و نظریات دانشمندان در مورد جایگاه زن در اسلام و غرب، کنگره بین‌المللی علوم تربیتی و روانشناسی و سبک زندگی سالم، تهران.
- نصیری، ولی اله، ۱۳۹۷، موقعیت اجتماعی زنان از منظر جامعه‌شناسی با تاکید بر آموزه‌های دین اسلام، دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، مشاوره، تعلیم و تربیت، مشهد.
- هاشمی علیا، راضیه سادات، ۱۳۹۵، سبک زندگی بانو امین‌الگوی زن مسلمان معاصر، سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد.
- هورنای، کارن. (۱۹۴۲). روانشناسی زنان. (سپیل سمی، مترجم). تهران: سمت.
- واحدی، شهرام و چناری، سمیرا و هویدا، فرناز، ۱۴۰۱، پیش‌بینی خودباوری زنان شاغل و غیر شاغل بر اساس عوامل روانی-اجتماعی با استفاده از تابع تشخیص، اولین همایش ملی روانشناسی، علوم تربیتی و مشاوره، ارومیه.
- یزدان‌پناه، مسعود و خدری، کژال و فروزانی، معصومه و برادران، مسعود، ۱۳۹۷، نقش هویت، کلیشه‌های جنسیتی و خودکارآمدی بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی.
- Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York: Freeman.
- De Beauvoir, S. (1949). *The Second Sex*. Paris: Gallimard.
- De Beauvoir, S. (1949). *The Second Sex*. Paris: Gallimard.
- Halbreich, U. (2003). *The association between pregnancy processes, preterm delivery, and mood disorders*. Journal of Clinical Psychiatry, 64(2), 31-37.
- Maslow, A. H. (1943). *A theory of human motivation*. Psychological Review, 50(4), 370-396.
- Nolen-Hoeksema, S. (2001). *Gender differences in depression*. Current Directions in Psychological Science, 10(5), 173-176.
- World Health Organization (WHO). (2020). *Gender disparities in health care*. Geneva: WHO Press.